رایگان
۱۰۰٪

آکادمی **ذهنهای ثروتمند** تقدیم می کند

نقطه • سرخط

برای کارآفرینان و مدیران

شاه کلیدهایی که می توانند
زندگی و آینده کسب و کارت را تغییر دهند!

نویسنده:
امیرمختارزاده

www.takbook.com

به نام آنکه هستی، نام از او یافت

فلک جنبش، زمین آرام از او یافت

www.takbook.com

این کتاب مشاور و مربی شماست،

آن را جدی بگیرید و با حضور ذهن کامل به آن گوش دهید!

کسی میراث‌دار انبیا شد

که دانش، با روانش آشنا شد

www.takbook.com

تقدیم به همه جوانان کشورم

و کسانی که قلب‌شان برای رسیدن به

رؤیاهای‌شان بی‌وقفه می‌تپد.

www.takbook.com

پیشگفتار

همه چی از یه آگهی شروع شد، درست زمانی که تصمیم گرفتم هدف‌هام رو از صندوقچه خاک گرفته‌ام بیرون بیارم و بهشون رنگ بدم، هدف‌هایی که به آرزو تبدیل شده بودند ....

تصمیمم رو گرفته بودم برای رسیدن به برنامه‌هام باید یه کاری می‌کردم، مسیر زندگی‌ام باید تصحیح می‌شد، با اینکه در حال تحصیل در رشته مورد علاقه‌ام در مقطع دکترا بودم و شاغل در مجموعه‌ای که همیشه جزو آرزوهام بود، ولی **نه خوشحال بودم و نه پولدار!**

تصمیم به تغییر شغل گرفتم که چشمم به آگهی جالبی افتاد!

کاری کنید که از شغلتان لذت ببرید!

همون آگهی دریچه آشنایی من با **آکادمی ذهنهای ثروتمند** شد که مؤسسش، فردی خودساخته و مقاوم با اراده‌ای فولادین بود. چرا که با اراده‌ای فولادین مسیر پرفراز و نشیب زندگی رو طی کرده و روح و روانش صیقل خورده و به الماسی درخشان تبدیل شده است.

زمانی‌که این کتاب رو خواندم، درس مقاومت، اراده، مسئولیت‌پذیری و موفقیت رو فراگرفتم، تک تک کلمات این کتاب فریاد میزنه:

کم نیار و بلند شو!

تا رسیدن به قله، راهی نمونده!

شما در این کتاب، داستان و تجربیات مرد خودساخته‌ای را خواهید خواند که با وجود همه سختی‌ها کم نیاورد و به جلو حرکت کرد و به تنهایی مسئولیت زندگی خودش را به دوش کشید. به نظر من این کتاب، پکیج کامل ساعت‌ها مشاوره است، **خواندن این کتاب را به تمامی کسانی پیشنهاد می‌کنم** که رسیدن به رؤیاهای‌شان برای‌شان مهم است، بخصوص مدیران و کارآفرینانی که می‌خواهند امپراطوری خود را پایه‌ریزی نمایند و کسانی که می‌خواهند با دنیای کارمندی خداحافظی کنند و همچنین جوانانی که مسئولیت زندگی خود را پذیرفته‌اند و خانواده، شرایط جامعه و فقدان توان مالی را دلیلی بر عقب ماندن خود، نمی‌دانند.

دکتر منصوره صداقتی

www.takbook.com

با هم بیشتر آشنا شویم:

امیر مختارزاده هستم،

برای آن دسته از افرادی که به تازگی با **آکادمی ذهنهای ثروتمند** آشنا شده‌اند، با کمال احترام به شما خواننده گرامی، خود را معرفی می‌کنم،

- دانش آموخته در رشته MBA از دانشگاه بین‌المللی خوارزمی، مدیریت کسب و کار
- کارآفرین در زمینه راه و ساختمان
- کارآفرین در حوزه کشاورزی (راه‌اندازی و احداث گلخانه‌های پرورش گیاهان)
- مشاور در حوزه توسعه کسب و کار
- سخنران و مربی مهارت‌های فردی، انگیزشی و موفقیت (دقیقا جذاب‌ترین بخش کاری‌ام) و بنیان‌گذار **مؤسسه آموزشی فرهنگی ذهنهای ثروتمند** هستم.

گفتم جذاب‌ترین بخش کاریم! بله دوست‌داشتنی‌ترین و دلپذیرترین لحظات بخش کارم در طول روز، زمان‌هایی‌ست که کارهای مربوط به مؤسسه آموزشی و آکادمی را انجام می‌دهم و در این سال‌ها با افتخار افراد زیادی را آموزش داده‌ام و با بیش از ۲۵۰ شرکت کوچک و بزرگ در زمینه توسعه کسب و کار در نقاط مختلف کشور به عنوان مشاور، همکاری داشته‌ام و این از افتخارات مجموعه و تیم کاری ماست که در این راستا با صاحبان مشاغل متعددی همکاری داریم و حتی جوان‌هایی که روزی صاحب ایده‌ای بودند و توانستند تبدیل به کارفرما شوند و موفقیت و پیروزی این عده از دوستان برایم هم‌چون عسل، شیرین است.

www.takbook.com

هدفم در این سال‌ها در **آکادمی ذهنهای ثروتمند** این بوده که به دیگران بگـویم، **که شما محکـوم به تحمل کردن هیچ شرایطی نیستید**، اگر شرایطی که در آن هستید مطابق میل‌تـان نیسـت فـوراً آن را تغییر دهید و کلید این تغییر فقط در دستان شماست،

تغییر دادن مطمئناً آسان‌تر از تحمل کردن است.

خوشحالم که این کتاب الان در دستان شماست و می‌توانم با این جملات و کلمات کمکی کرده باشم که شما گام مهمی را به سمت اهداف‌تان بردارید و آن چیزی نیست جز،

تغییر! تغییر در باورها و در لایه‌های عمیق ذهن!

نیچه می‌گوید:**پرندگانی که در قفس به دنیا آمده‌اند پرواز را بیماری می‌پندارند و شاید بعضی از ما در قفس به دنیا آمده‌ایم!!!**

این کتاب برای کسانی است که می‌خواهند آماده پرتاب شوند،

به سمت رؤیاهای‌شان!

بی‌شک گذشته و وضعیت کنونی شما هیچ ارتباطی با آینده شما نخواهد داشت!

ایمان داشته باش!

حوادث گذشته و وضعیت کنونی شما، تعیین‌کننده آینده‌تان نخواهد بود!

دوست من! این کتاب با قطره قطره وجودم به نگارش درآمده و در هر لحظه تو را در کنارم تصور کردم و تمامی تجربیات و نکات مورد نیاز برای برخاستن را از قلبم به قلمم جاری ساختم، پس با گوش جان همراهم باش که همراهت هستم!

امیر مختارزاده

www.takbook.com

دستورالعمل خواندن این کتاب

کتاب در دو بخش با نگاهی نو و کاملا کاربردی تهیه و نگارش شده است.

یک بخش به گوشه‌ای از داستان زندگی جناب آقای امیر مختارزاده اشاره دارد و با زبان محاوره‌ای نوشته شده و بخش دیگر، آموزه‌ها و تجربه‌های کاملا کاربردی ایشان به زبان نوشتاری، نگارش شده است.

تمامی نکاتی که به نظر ایشان مهم هستند خط کشیده شده و یا در کادری مجزا خلاصه‌نویسی شده و **شاه کلیدها** در کادرهایی با رنگ متفاوت آورده شده‌اند، با این حال چون این کتاب، با رویکردی کاملا کاربردی تهیه شده، برای استفاده بیشتر، مداد و دفترچه‌ای کوچک کنارتان باشد تا نکات لازم را یادداشت کنید و زیر نکات مهم خط بکشید و به طور روزانه به آنها مراجعه کنید، چرا که انسان برای حرکت به سمت هدف، نیاز به سوخت دارد و این کتاب بدون شک می‌تواند سوخت روزانه شما را فراهم نماید.

این کتاب دارای ۲۶ شاه کلید است،

که البته در خلاصه این کتاب ۱۰ شاه‌کلید آن در اختیار شما دوستان قرار داده شده است، آن‌ها را به خاطر بسپارید!

آکادمی ذهنهای ثروتمند

در صورت نیاز به مشاوره و پاسخ به سؤالاتتان می‌توانید از مسیرهای زیر با ما در ارتباط باشید:

۰۹۰۲۴۵۱۰۴۴۹
۰۹۰۱۱۷۴۶۴۴۰
www.mindsacademyy.com
Telegram:@minds_academy
Instagram:@minds_academy

www.takbook.com

نقطه •

سرخط

برای کارآفرینان و مدیران

و تمام جوان‌های کشورم

www.takbook.com

فهرست

اولین دینگ ۶

بهترین مربی ۸

مرگ آرزوها!..... ۱۱

برمی‌گردم به سال‌ها پیش ۱۵

راز و رمزهای طلایی کارمندی! ۱۹

روال کارمندی..... ۲۳

خوب رکاب بزن!..... ۲۵

احساس مسئولیت در حد یک رئیس! ۲۷

www.takbook.com

اولین دینگ

دقیقا یادم هست جرقه علاقه‌ام به دنیای موفقیت در دوران نوجوانی، وقتی که طرح کارآموزی دبیرستانم را در یک شرکت تولیدی بزرگ (فعال در زمینه تولید قطعات خودرو) می‌گذراندم، زده شد. در واحد انفورماتیک مسئولیت ثبت اطلاعات کتاب‌ها در نرم‌افزار کتابخانه به من سپرده شده بود، روزی که داشتم اطلاعات کتاب‌ها را وارد سیستم می‌کردم، با کتابی آشنا شدم که زاویه نگاهم را به کلی تغییر داد و دینگم زده شد. باعث شد حس عجیبی، مثل پرواز و اوج گرفتن را همراه کلماتش لمس و طعم شیرین کامیابی را احساس کنم، از آن زمان به بعد به کیفیت زندگی آدم‌ها به گونه دیگری نگاه می‌کنم!

www.takbook.com

در اولین فرصت، آن کتاب دو جلدی را تهیه کردم و هنوز هم در مجموعه کتابخانه‌ام موجود است. داستان زندگی آنتونی رابینز در کتاب **بسوی کامیابی،** هنوز هم برایم جذاب و خواندنی است، گاهی سرنوشت آدم‌ها می‌تواند با یک کتاب، به کلی تغییر کند!

و اکنون از این فرصت ناب استفاده می‌کنم و تجاربم را با شما به اشتراک می‌گذارم، تا از پول و زمان شما محافظت شود و از همه مهم‌تر از حملات قلبی در امان بمانید،

چون **طعم شکست، خیـلی، خیـلی، خیـلی، تلخ است!**

قطعا اگر به سال‌ها پیش برگردم و کسی تجربیات این کتاب را به من هدیه می‌داد! قطعاً از وقت و سرمایه‌ام محافظت می‌شد! در این کتاب یکی از داستان‌های شغلی خودم را با شما به اشتراک می‌گذارم که مطمئنم تجربیات این داستان فوق‌العاده برای شما دوست عزیز، جذاب و کارآمد خواهد بود.

شاه کلیدهایی را به شما خواهم داد که باعث پرواز شما به سوی کامیابی خواهد شد البته اگر با حضور ذهن همراهم شوید!

پس پیشنهاد می‌کنم این داستان را با تمرکز و میل فراوان بخوانید،

این کتاب نجات‌دهنده شماست!

www.takbook.com

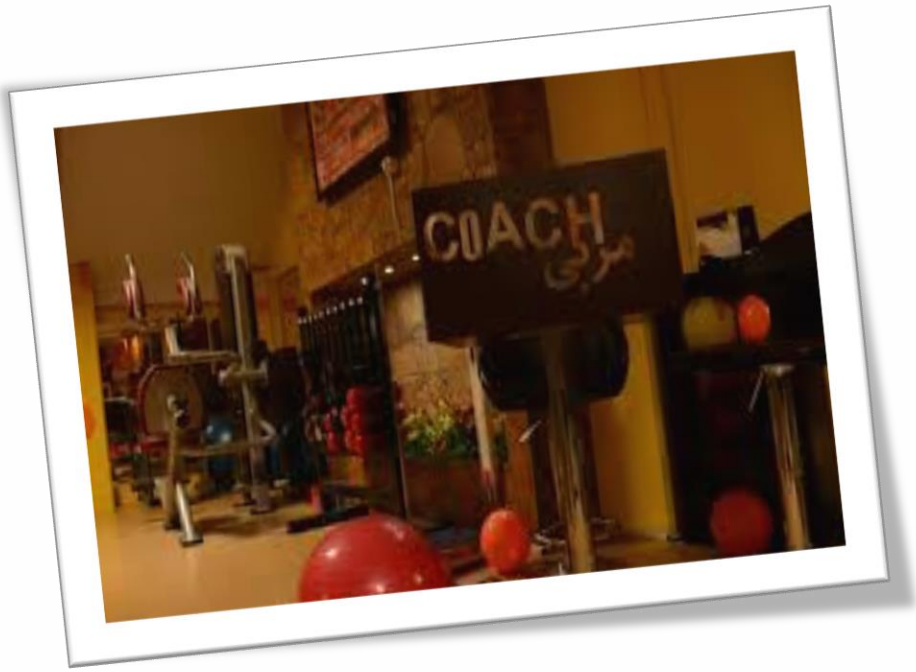

بهترین مربی

قطعا اگر به آن سال‌ها برگردم و دلایل شکستم را برطرف کنم، مطمئناً چیزی که الان بدست آورده‌ام را نداشتم، این را گفتم که از شکست و ترسِ از آن، متوقف نشوید، تا زمانی که شما میل به تجربه و میزان شکست‌هایتان را بالا نبرید، هرگز به موفقیت دست پیدا نمی‌کنید، این شکست‌ها هستند که شما را بالا می‌کشند،

شکست و فشارها و دردهای پس از آن می‌تواند بهترین مربی در زندگی‌نامه یک فرد موفق به شمار بیاید، به شرطی که تعریف و نگاه‌مان را به اتفاقات زندگی تغییر دهیم!

www.takbook.com

شاه کلید اول:

شکست و فشارهای ناشی از آن بهترین مربی‌اند!

اگر در گذشته یا هم اکنون در جایگاه دلخواه‌تان نبودید و نیستید، به هیچ وجه مهم نیست، مهم این است که در آینده نزدیک در چه جایگاهی قرار خواهید گرفت، وقتی که به آن نقطه دلخواه رسیدید، مطمئناً شما یک اسطوره مثال زدنی خواهید بود و شما را باور خواهند کرد، با پیش شرط اینکه در ابتدا باید

خودت، خودت را باور داشته باشی!

دوست دارید **راز مهمی** را برای‌تان بگویم؟!

شاه کلید دوم:

دیگران فقط جایگاهی که هم اکنون درآن هستید را به خاطر دارند!

چند سال پیش بحران‌های مالی که برایم پیش آمد، همه دارایی‌ام از بین رفت، دنیا را تیره و تار می‌دیدم، تمامی روابط زندگیم تحت‌الشعاع قرار گرفت، هر چند در بهترین حالت ممکن ۵ سال زمان صرف شد تا

www.takbook.com

توانستم سرپا شوم، ولی در طول این پنج سال یک چیز ذهنم را شدیداً به خود مشغول کرده بود، که چرا شخصی با تجربه در اطراف من نبود که بتوانم قبل یا بعد این بحران با او مشورت کنم و چرا این هزینه سنگین را پرداختم، که بی‌اغراق به قیمت تمام سرمایه‌ام تمام شده بود، به علاوه از دست رفتن آرامش خودم و خانواده‌ام، ۵ سال زمان که می‌توانستم بهترین لحظات را در آن بگذرانم و زمان‌هایی که می‌توانستم از لحاظ مالی رشد چشمگیری داشته باشم و از دست رفتن تمامی روابط اجتماعی و کاریم و ... .

www.takbook.com

مرگ آرزوها!

بعد از این پنج سال همیشه این سوال همراهم بود، که شکست جزئی از پیروزیست، ولی اگر بعد از شکست کسی نتواند دیگر از جایش بلند شود چه سرنوشتی در انتظار او خواهد بود! چه اتفاقی برای آینده‌اش می‌افتد، یا اگر قرار باشد هر شخصی برای اینکه بتواند تولید ثروت کند و بارها شکست بخورد که نمی‌شود، و این می‌تواند از دید من خطرناک به نظر برسد که شخصی که هدف و رؤیای بزرگی دارد در این مواقع شاید برای همیشه رؤیای خود را کنار بگذارد و این یعنی **مرگ آرزوها** و مرگ آرزو و امید یعنی آخر همه چیز در زندگی!

شاه کلید سوم:

خودت، خودت را باور داشته باش!

www.takbook.com

در تمام این سال‌ها متوجه شدم بیشترین سؤالات شرکت‌کنندگان بعد از همایش‌ها و سمینارهایم یا در پیام‌هایی که به دستم می‌رسد این است که چگونه به خواسته‌ها و آرزوهای خودمان برسیم، و این مرا نگران می‌کرد!

چون گفتن چگونگی رسیدن به خواسته‌ها هرگز کار دشواری نبود، چیزی که وجود داشت و کسی از آن حرفی نمی‌زند، شکست است، که چطور کاری کنیم که احتمال شکست را کاهش دهیم یا به صفر برسانیم؟ یا اگر در این مسیر شکست خوردیم چه کاری باید کرد؟

این شد که تصمیم گرفتم تمام تجربیات خودم را در قالب آموزش‌های کاربردی در این کتاب در اختیار آن دسته از افرادی بگذارم، که هنوز برای اهدافشان کاری نکرده‌اند یا اقداماتی را انجام داده‌اند و با مشکلاتی روبرو هستند و دچار سردرگمی شده‌اند و به دنبال مربی یا مشاوری هستند که آن‌ها را هدایت کند.

اما زمین خوردن و شکست، می‌تواند دلیلی برای **بلند شدن دوباره** باشد و هم می‌تواند دلیلی برای ریشه دواندن شکست در ذهن و ایجاد ترس برای دوباره برخاستن! که آسان‌ترین و راحت‌ترین راه برای عدم موفقیت همیشه گزینه دوم است ولی باید برایش یک توجیح و دلیلی پیدا کرد که دیگران ما را سرزنش نکنند، مثلا جملات (شکست خوردم، همه چیزم را از دست دادم، کسی را ندارم که کمکم کند، پشتوانه ندارم، شرایط اقتصادی کشور روبراه نیست که بتوانم به اهداف و خواسته‌هایم برسم و .....) می‌تواند توجیحات خوبی برای بلند نشدن و ادامه ندادن و دست از تلاش کشیدن باشد.

در مسیر رسیدن به خواسته، شما از جاده‌ای پر پیچ خمی عبور می‌کنید که همه نوع سختی و شرایط دشوار در آن وجود دارد، حتی پرتگاه‌های وحشتناکی را در آن می‌بینید که یک غفلت می‌تواند شما را برای همیشه از رسیدن به هدف دور کند ولی این جزء جدا ناپذیر رسیدن به اهداف و آرزوهاست چون اگر آسان بود که

www.takbook.com

همه به خواسته و آرزوهایشان می‌رسیدند، کسانی به خط پایان می‌رسند که بی‌خیال نشدند و در سخت‌ترین و دشوارترین لحظات از حرکت باز نماندند و ادامه دادن را انتخاب کردند ولی یک سوال ...

چطور می‌شود برای اینکه به خواسته‌هایمان برسیم احتمالات شکست را کاهش داد؟

این دقیقا همان چیزی بود که ذهن من را در آن سال‌ها به خود مشغول کرده بود که اگر کسی کنارم بود، برای کسب آن تجربیات لازم نبود همه دارایی و داشته‌هایم را از دست بدهم.

جایی می‌خواندم:

تجربه، دانشگاهی است که شهریه آن بسیار گران است!

ولی الان با خواندن این کتاب می‌توانید وارد دانشگاه علمی-کاربردی شوید که شهریه آن بسیار ارزان است و می‌تواند شما را به سمت ثروت و دستیابی به اهداف و کامیابی هدایت کند!

این کتاب حاصل آزمون و خطاهای من در مسیر رسیدن به جایگاه استقلال مالی است که اگر با جان و دل و حضور کامل آن را بخوانید و ارزشش را بدانید، مطمئنا شما را به کامیابی خواهد رساند.

زمانی که خواستم شروع به نوشتن این کتاب کنم، سه گروه در ذهنم شکل گرفتند:

گروه اول آن دسته از افرادی که اغلب منتظر مهیا شدن شرایط هستند و شرایط خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی و حتی گذشته خود را مقصر شرایط کنونی‌شان می‌دانند،

www.takbook.com

و گروه دوم افرادی که با توجه به شرایط سختی که دارند، ولی شجاعت لازم را داشته و با زحمت سرمایه‌ای جمع کرده‌اند و می‌خواهند استارت شغلی را بزنند و در شرف راه‌اندازی کسب و کار خود هستند

و گروه سوم کسانی که در سمت مدیر عاملی تجارتی نوپا هستند که کسب و کارشان رونق دلخواه‌شان را ندارد.

پس به امید اینکه این کتاب برای‌شان راه‌گشا باشد.

آیا آماده هستی تا داستان مرا بشنوی؟

www.takbook.com

برمی‌گردم به سال‌ها پیش .....

در دنیای کارمندی چیزهایی و موضوعاتی وجود داشت که خوشایندم نبود و باعث می‌شد از کار، دل‌زده و فراری باشم. می‌دانستم چیست! من از اینکه زیردست و فرمانبر باشم و به اجبار مجبور به کاری شوم متنفر بودم!

کاری نمی‌شد کرد!

اما رازی را کشف کردم و تصمیم گرفتم آن را عملی کنم!

www.takbook.com

و آن این بود که کاری که انجام می‌دهم را با عشق و علاقه انجام بدم که شاید کمی از این فشارها کمتر شود، همین هم شد، دیگه از کاری که می‌کردم فراری و دل‌زده نبودم حتی همیشه دوگام جلوتر از کارم بودم، همه چیز سر موعد و مقرر انجام می‌شد، حتی با تغییراتی در حقوقم و پیشنهادی از سوی من به مدیرعامل (حقوق ثابت به علاوه درصدی از سود) من را بیشتر از گذشته فعال و با انگیزه کرد.

شاه کلید چهارم:

کاری که انجام می‌دهم را باید با عشق و علاقه انجام بدهم!

یک چیز را خوب می‌دانستم، **من در این شرایط دوام نمی‌آورم!** این شرایط مطابق میلم نبود، و از خواسته‌هایم خیلی دور بود، **چیزی در درونم در حال انفجار بود** و این بود که من باید کاری بزرگ انجام دهم چیزی شبیه به دستاوردی بزرگ و خارق‌العاده که شخصیت و زندگیم را مثال‌زدنی کند و این موضوع من را هیجان‌زده می‌کرد و یک جا بند نمی‌شدم و ذهنم مدام در حال جستجو بود حتی نزدیکترین کسانم هم متوجه درگیری درونی‌ام با دنیای بیرون شده بودند، گاهی آنقدر درگیر تناقض دنیای درونم با فضای واقعیت بیرون بودم که شدیداً از روابط بیرونی غافل می‌شدم، کارکردن زیر پرچم دیگری برایم دشوار بود نمی‌توانستم بنشینم و شاهد مرگ آرزوهایم باشم و با دستان خودم روی آنها خاک بریزم!

ولی ...

هیچ ایده‌ای نداشتم ...

www.takbook.com

شاید برای‌تان کمی تعجب آور باشد، یکی از آن شرایطی که من را وادار به این می‌کرد که خیلی خیلی زود کاری انجام دهم، این بود که **می‌خواستم زمان وآینده فروخته شده خودم را پس بگیرم**، منظورم کسی بود که برایش کار می‌کردم، من هم مثل همه کارمندها خواسته یا ناخواسته از سن ۱۹ سالگی زمان و آینده‌ام را به مبلغ ناچیزی، و در حقیقت رایگان به شخصی (کارفرما) فروخته بودم، البته در این خصوص هیچ وقت خودم را سرزنش نمی‌کردم، چون **این یک قالب فکری** بود که جامعه به ما داده بود، که زندگی یعنی همین!!!!

یعنی بعد از اینکه تحصیلت تمام شد، باید استخدام شوی و برای دیگران کار کنی! حالا این دیگران می‌توانست کار دولتی باشد یا بخش خصوصی (اشخاص).

اگر کاری پیدا کنی که فشار فیزیکی نداشته باشد بهتر، اگر کارمند و حقوق بگیر شوی که فوق‌العاده است و تو برنده‌ای! چون پرستیژ داشت و می‌توانستی کلی به خودت افتخار کنی و به دیگران فخر بفروشی!

ولی هیچ‌کس نگفته بود که چه کاری؟

چه کاری مناسب من و در راستای توانایی‌هایم است؟ اصلا به توانایی‌های خود آشنایی دارم؟

شاه کلید پنجم:

اسیر قالب فکری اکثریت نشویم!

www.takbook.com

با خودم فکر می‌کردم، چرا من سبک فکری‌ام متفاوت‌تر از بقیه است، گاهی شک می‌کردم شاید لازمه کمی تغییرات در درونم ایجاد کنم و جلوی این خواسته‌ها و توقعات درونی را از خودم و زندگی بگیرم، شاید این منم که دارم بد فکر می‌کنم، بارها سبک زندگی آدم‌های اطراف، آشنا و غریبه را رصد و بررسی می‌کردم، دیدم روال یکسان است، تقریبا همه در یک سطح و یک روند مشخص و تعریف شده زندگی می‌کنند!

و این مرا سردرگم و گیج می‌کرد، که ایراد کار کجاست؟

مجبور می‌شدم افکارم را پنهان کنم که نکند مورد تمسخر قرار بگیرم و در نهایت در لاک تنهایی خودم فرو می‌رفتم، تصمیم گرفتم همه چیز عادی باشد و منم راهی را که بقیه می‌روند بروم!!!

ولی نشد!!!!!

یک چیزی نمی‌گذاشت، که آرام بمانم، شب‌ها بیدار نگهم می‌داشت، آن موقع نمی‌دانستم چیست!

بعدها فهمیدم **غول خفته درون آدم‌هاست** که وقتی بیدار می‌شود، می‌توانی با آن، همه‌ی آن چیزی که می‌خواهی را بدست بیاوری!

www.takbook.com

راز و رمزهای طلایی کارمندی!

از اینجا به بعد کتاب را با دقت فراوان بخوانید، چون قصد دارم راز و رمزهایی را به شما آموزش بدهم که قطعاً مسیر شغلی‌ات را بسیار دگرگون خواهد کرد!

سال‌ها پیش، بعد از جستجوهای فراوان در شرکتی تازه تأسیس در زمینه راه و ساختمان به عنوان دفتردار مشغول به کار شدم (تجربه اولم در سن ۱۸ سالگی در محیط دفتری)، بعد از انجام آن همه کاری که برام ناخوشایند بود، این شغل برام بسیار خوشحال‌کننده به نظر رسید و احساس موفقیت می‌کردم که بالاخره کاری مناسب و آبرومند به دست آوردم.

اولین حقوق ثابتم ماهیانه پنجاه هزار تومان بود و این منو راضی می‌کرد (البته تعجب نکنید این میزان حقوق برای سال‌ها پیش، زیاد بود).

www.takbook.com

ولی رفته رفته این کار چهره واقعی خودش رو به من نشون داد، من اولین کارمند شرکت بودم، شرکتی که در حال رشد و پول‌سازی بود (البته برای صاحب شرکت)، به طور طبیعی کارها زیادتر شد و خیلی زود منو تحت فشار کار و افزایش ساعات کار قرار داد دیگه فرصت استراحت کافی نداشتم، می‌دونستم هر روز که سرکار میرم، برگشتنم به خونه و ساعت پایان کارم به تصمیم صاحب شرکت یعنی ساعت (دوازده، یک، دو) نیمه‌شب بستگی دارد.

بله، تازه تا برسم خونه اون موقع شب یک ساعت و نیم، دو ساعتی تو راه بودم، دوباره ساعت ۶ صبح از خونه می‌زدم بیرون تا ۸ صبح سرکار باشم، هیچ برنامه شخصی نمی‌تونستم داشته باشم، هیچ تفریح و استراحتی، حتی دیگه دوستی نداشتم که بخوام با اون وقت بگذرونم، دوستی‌هام فقط شده بود سلام و خداحافظ با بچه‌های محل و همسایه، اون هم تازه اگه می‌دیدم‌شون، تو این فاصله دانشگاه شرکت کردم ولی متاسفانه قبول نشدم چون اصلا وقت نداشتم که درس بخونم، حتی یادم هست مراسم عقد خواهرم بود، صاحب شرکت چون میدونست میخوام زودتر برم، یه نامه گذاشت روی میزم و گفت فلان کار رو فردا آماده کن، مجبور شدم آن شب هم بمونم، به سرعت کارم رو تمام کردم که بتونم به مراسم عقد که در خانه خودمون بود، برسم، هر چند دیر ...، ولی رسیدم.

به هر حال این شرایط به شدت من رو عصبانی کرده بود.

این روال سال‌ها ادامه داشت و من همیشه ترس این رو داشتم که کارهام جمع نشه، چون مجبور بودم خودم اونها رو انجام بدم از طرفی هم از صاحبکارم می‌ترسیدم! ترس از اخراج شدن! به طوری‌که حتی زمان‌هایی هم که مریض می‌شدم، خودم رو می‌رسوندم.

www.takbook.com

در ابتدای کارم به عنوان دفتردار خیلی ساده با مدرک دیپلم شروع بکار کردم ولی بعد با تجربه‌هایی که به دست آوردم و حس مسئولیت‌پذیری که نشان دادم تا مسئول دفتر فنی، مشاور و معاونت مدیرعامل پیش رفتم و در این بین مسئول امور قراردادها، مسئول امور بیمه، نماینده قانونی شرکت جهت پیگیری امورات اداری با کارفرماهای دولتی، سرپرست کارگاه، مدیر پروژه، مسئول برآورد و تهیه صورت وضعیت‌های پیمانکاری و ... را تجربه کردم.

چیزی که باعث شد طی سال‌ها کارمندی، من را هر سال یک پله بالاتر ببرد، روش‌هایی بود که من در طی مسیر کاری‌ام به آنها عمل کردم و حالا می‌خواهم آنها را در اختیار شما قرار بدهم، ولی قبل از آن باید به نکته بسیار مهمی اشاره کنم، که زاویه نگاه شما در جهت درست قرار گیرد،

رابرت کیوساکی میگه:

(برای قدم گذاشتن در دنیای ثروتمندان نباید رئیس داشته باشید.)

یکی از رکن‌های ثروتمند شدن اینست که **شما با کارمندی هیچ‌وقت ثروتمند نخواهید شد** و همیشه باید به دنبال ساختن فرصت‌هایی باشید که شما را تبدیل به یک رئیس و کارفرما کند و کاری کنید که عده‌ای برای شما کار کنند! و فراموش نکنید هر شخصی بدون گذراندن مسیر کارمندی یا کارگری هیچ وقت به یک کارفرمای موفق تبدیل نخواهد شد و اگر کسی سعی دارد که در ابتدای تجربه کاری خود، تبدیل به رئیس شود شک نکنید، تجارت و کسب و کار او دوامی نخواهد داشت و به زودی با ضرر و زیان زیادی کارش به بن بست خواهد کشید.

www.takbook.com

نتیجه ...

تحت هیچ شرایطی از اینکه هم اکنون کارمند یا کارگر هستید گلایه‌مند نباشید، بلکه آن را دانشگاهی کاربردی ببینید که قرار است از آن مدرک عملی بگیرید که در آینده و به زودی از آن در تجارت خود بهره ببرید.

شاه کلید ششم:

کارمندی را پلی برای مدیرعاملی بدانید.

www.takbook.com

روال کارمندی

در دنیای کارمندی بسیار دیده‌ام کسانی را که برای به پایان رسیدن ساعت کار لحظه‌شماری می‌کنند و این مسئله آن‌ها را عذاب می‌دهد و این نشانه خوبی نیست!

و یا همیشه به دنبال روند مشخصی برای کارکردن‌شان هستند و اگر این روند کمی جابه‌جا شود، همه چیز برای‌شان تلخ شده و در مقابل تغییرات، مقاومت نشان می‌دهند و معترض همیشگی تغییرات هستند!

معمولا کارآفرینان و صاحبان مشاغل و تجارت‌های بزرگ در آغاز راه‌اندازی و توسعه کسب و کارشان از روال مشخصی استفاده نکرده‌اند، بلکه همیشه به دنبال فرصتی بوده‌اند که از آن فرصت برای حرکت کردن به سمت هدف استفاده کنند.

www.takbook.com

مثال (یک نفر ساعت ۷ صبح از خانه به سمت محل کار خود حرکت می‌کند و ساعت ۲ بعدازظهر کارش را تمام می‌کند و به خانه برمی‌گردد) این روند مشخص، فقط مختص کارمندان و حقوق بگیران است!

کارآفرینان ممکن است تا پاسی از شب در حال کارکردن بر روی پروژه و اهداف شرکت‌شان باشند یا در حال طراحی استراتژی برای سال جدید، برای آن‌ها فرقی نمی‌کند که در طول روز چند ساعت کار کرده‌اند، **چیزی که آن‌ها را راضی می‌کند رسیدن به نتیجه دلخواه است.**

افراد موفق و خلاق زمان را گم می‌کنند و اپیدمی به عنوان زمان وجود ندارد!

در دنیای کارآفرینی، رشد کسب کار و تجارت شما، حول محور عشق، علاقه و لذت بردن از کاری که انجام می‌دهید، می‌چرخد.

شاه کلید هفتم:

روال کارمندی را کنار بگذارید!

www.takbook.com

خوب رکاب بزن!

در این موضوع رازی نهفته است که اگر آن را ندانید هرگز به مسیر کسب ثروت پا نخواهید گذاشت!!!

و آن این است که اگر شما رؤیای این را دارید که روزی خودتان رئیس خودتان باشید و عده‌ای بیایند و برای شما رکاب بزنند، **می‌بایست در همین نقطه‌ای که ایستاده‌اید و کارمند شخص دیگری هستید، خوب رکاب بزنید!**

شاه کلید هشتم:

خوب رکاب بزن!

www.takbook.com

آماده‌ای که شاه کلیدها و روش‌هایی که من را از جایگاه دفتردار ساده، پله به پله بالا برد و سکوی پرتاب من شد را در اختیارتان قرار بدهم؟

یادآوری می‌کنم این روش‌ها در هیچ کجا نوشته نشده و این اولین بار است که من تجربیات خود رو می‌نویسم، که با بکارگیری همین روش‌ها توانستم در بهترین نقطه از موقعیت کارمندی قرار بگیرم را می‌نویسم، پس به آنها عمل کنید که فرآیند رشد و حرکت شما را به سمت تبدیل شدن به یک کارفرما سریع‌تر می‌کند!

شاه کلید نهم:

فشارهای کاری را با آغوش باز بپذیرید!

www.takbook.com

احساس مسئولیت در حد یک رئیس!

بله درست است، شما باید احساس مسئولیت در حد یک صاحب شرکت را در درون خود ایجاد کنید و خود را در جایگاه مدیر عامل خود ببینید و فرض کنید اگر عملکرد شما چگونه باشد سود بیشتری را نصیب شرکت یا مجموعه خود می‌کنید یا اگر چه عملکردی داشته باشید جلوی ضرر و زیان را می‌گیرید، این بدین معنی نیست که در اموراتی که مدیرعامل یا رئیس شما می‌بایست تصمیم بگیرد دخالت کنید!

بلکه اولین هدف این است که شما ذهن‌تان شروع می‌کند به دنبال پیدا کردن راه‌حل‌های موجود برای حل مشکلات پیشرو و در گام بعدی این نگرش و دیدگاه باعث می‌شود شما بهره‌وری و عملکردتان بالا رود و افزایش عملکرد شما یعنی فرصتی برای بهتر شدن موقعیت شغل شما!

www.takbook.com

نکته بسیار مهم:

در مورد اینکه شما در جایگاه یک کارمند یا کارگر باید چگونه باشید صحبت کردیم، اما این نکات فقط برای این است که شما آماده این شوید که فردا تبدیل به یک کارفرما شوید! **و فراموش نکنید که حقوق ماهیانه، رشوه‌ای است تا رؤیاهایت را فراموش کنی و آینده‌ات را که می‌توانی به بهترین موقعیت تبدیل کنی به دیگری با قیمت ناچیز بفروشی!**

شاه کلید دهم:

حقوق ماهیانه، رشوه‌ای است تا رؤیاهایت را فراموش کنی!

هنوز مطالب این کتاب تمام نشده، موضوعات بیشتر و کاربردی‌تری برایت دارم!

برای دریافت فایل کامل اینجا را کلیلک کنید.

www.takbook.com

در ادامه (کتاب نقطه سرخط) می‌خوانید:

- زندگـــی با دســتــان بــاز!
- خودت را ببوس!
- از سقوط تا رهایی!
- در انتخاب شریک کاری وسواس به خرج بده!
- هفت ویژگی شریک کاری که از نان شب واجب‌تر است!
- پنج گام ساده و فوری برای تغییرات بزرگ!
- لاین خود را عوض کن!
- ســاختار ۶ مرحله‌ای (برای رشد و کامیابی)!
- چگونه متوجه شویم در مسیر صحیح رسیدن به اهداف هستیم؟
- احساس ضعف نکن!
- سونامی و نابودی همه چیز!
- در تله (مــن خوبــم) گیر نکنید!
- اطراف خود را هرس کنید!
- موفقیت ماکروویوی بدست نمی‌آید!!

www.takbook.com

برای دریافت اطلاعات بیشتر به سایت آکادمی ذهنهای ثروتمند مراجعه کنید:

www.mindsacademyy.com

برای دریافت فایل کامل اینجا را کلیک کنید.

(در کتاب‌های بعدی خواهم گفت که چگونه دوباره از زیر صفر بلند شدم و همه چیز را از نو ساختم).

پایان

www.takbook.com

آکادمی ذهنهای ثروتمند تقدیم می کند

آنچه در کتاب‌های آینده خواهید خواند:

- چگونه می‌شود با دستان خالی از صفر شروع کرد؟
- چطور ذهنی آرام داشته باشیم؟
- چطور احساس خوشبختی و موفقیت داشته باشیم؟
- چطور انگیزه لازم را برای حرکت پیدا کنم؟
- چگونه درآمد بیشتری داشته باشیم؟
- چگونه روی اهداف‌مان متمرکز بمانیم؟
- و ...

از دیگر آثار جناب آقای امیر مختارزاده:

- دوره نقطه سرخط (برای کارآفرینان و مدیران موفق)
- گنجینه‌ای به نام ذهن
- مدار ثروت
- هفت نکته برای میلیاردر شدن
- آرامش در محیط کار و زندگی
- تمرکز بر اهداف
- عوامل موثر بر توسعه شغلی
- و ...

همراه ما باشید:

آکادمی ذهنهای ثروتمند

Website: www.mindsacademyy.com

Instagram: @minds_academy

Telegram : @minds_academy

www.takbook.com